**باسمه تعالی**

موضوع: قاعده لا ضرر/مدرک قاعده /

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مدرک قاعده لا ضرر بود که دو بیان برای اعتبار این روایت گذشت که یکی از آن ها هم تمام و خالی از اشکال بود، اما نقل دیگر روایت که در آن قید «فی الاسلام» هم وجود داشت مشتمل بر ارسال بود که این ارسال ناشی از بعض اصحابنا است، که البته برخی خواسته اند از آن جواب داده و آن را حمل بر صحت کنند که حرف ناتمامی است چرا که نهایتا مراد از بعض اصحابنا شیعه امامی است که ممکن است ثقه نباشد.

در ما نحن فیه روایت معتبره دیگری هم وجود دارد که تطبیقی بر فقره لا ضرر و لا ضرار است منتها این تعبیر در آن نیامده است.

|  |
| --- |
| مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعِرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ شَهِدَ بَعِيراً مَرِيضاً وَ هُوَ يُبَاعُ فَاشْتَرَاهُ رَجُلٌ بِعَشَرَةِ دَرَاهِمَ فَجَاءَ وَ أَشْرَكَ فِيهِ رَجُلًا بِدِرْهَمَيْنِ بِالرَّأْسِ وَ الْجِلْدِ فَقُضِيَ أَنَّ الْبَعِيرَ بَرَأَ فَبَلَغَ ثَمَنُهُ دَنَانِيرَ قَالَ فَقَالَ لِصَاحِبِ الدِّرْهَمَيْنِ خُذْ خُمُسَ مَا بَلَغَ فَأَبَى قَالَ أُرِيدُ الرَّأْسَ وَ الْجِلْدَ فَقَالَ لَيْسَ لَهُ ذَلِكَ هَذَا الضِّرَارُ وَ قَدْ أُعْطِيَ حَقَّهُ إِذَا أُعْطِيَ الْخُمُسَ.***[[1]](#footnote-1)***  از این روایت این بر می آید که حتی انسان در جایی که فقط غرض اضرار دارد ولایت بر مال شخصی خود هم ندارد.   راه سوم: وجود روایت در کتب کافی و من لا یحضره الفقیه حدیث لا ضرر در کتاب فقیه و کافی موجود است و از آن جا که این دو کتاب متعهد به ذکر روایات مفتی به مولف شده اند، بر خلاف کتب مرحوم شیخ طوسی که چنین تعهدی در آن ها نیست، لذا باید این روایت را معتبر دانست.  البته این بیان نیاز به ضمیمه اصالة الحس هم دارد و با این اصل تتمیم و تکمیل می شود، و در غیر این صورت فقط نسبت به خود دو فقیه و مقلدینشان حجیت پیدا می کند.   اشکال: حجیت فتوی بر مقلدین و عدم تمامیت اصالة الحس حجیت این خبر در مقام مربوط به مقام افتاء است نه اخبار، مضافا به این که اصالة الحس هم دلیل تمامی ندارد (کما این که در گذشته بیان شد)، بنابراین نمی توان در مقام، به واسطه این راه روایت را معتبر دانست.   راه چهارم: تواتر اجمالی روایات ما نحن فیه دارای تواتر است یعنی این روایات دارای کثرتی است که باعث حجیت آن می شود، البته همان گونه که گذشت تواتر در مقام تواتری اجمالی است.   اشکال اول: بازگشت برخی از روایت به روایت واحد از آن جا که برخی از این روایات به راوی واحدی برمی گردد لذا تعداد نهایی این روایات محدود است و به حد تواتر نمی رسد. اشکال دوم: عدم تواتر فقره لاضرر در صورتی که تواتر این روایات پذیرفته شود هم این بیان تمام نیست، چرا که تعبیر «لا ضرر» که تعیین کننده در استدلال است، در این روایات به حد تواتر نمی رسد و در بسیاری از این موارد ممکن است از باب تطبیق فقره «لا ضرار» باشد که در درجه دوم اهمیت در استدلال قرار دارد.  بله، نهایتا می توان گفت که جامع بین «لا ضرر» و «لا ضرار» به حد تواتر می رسد. اشکال سوم: تباین بین روایات «لا ضرر» بر فرض تواتر فقره «لا ضرر» هم این روایات با هم مباین هستند، چرا که برخی از آن ها مشتمل بر فراز و قید «فی الاسلام» است در حالی که برخی از آن ها چنین قیدی ندارد، و از طرفی هم نمی توان گفت که نسبت این روایات خاص و عام و یا مطلق و مقید است، زیرا مفاد دسته ای که دارای این قید است این می شود که انسان با اسلام آوردن متضرر نمی شود کما این که مرحوم صدوق چنین تلقی نموده است. توجیه مرحوم شیخ الشریعة: خارج بودن قید «فی الاسلام» مرحوم شیخ الشریعة این قید را خارج از حدیث می داند و در ادامه می گوید، حتی در نقل های معتبر عامه مثل جامع سیوطی نیز چنین قیدی وجود ندارد، لذا باید این قید را خارج از روایت دانست. اشکال: وجود قید «فی الاسلام» در من لا یحضره الفقیه مرحوم شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه این قید را آورده است، لذا قبل از استشهاد به منابع عامه این منبع معتبر و مهم باید ملاحظه شود.   انفعال مرحوم امام تحت تأثیر کلام شیخ الشریعة البته مرحوم امام در اثر تعبیر مرحوم شیخ الشریعة منفعل شده و وجود این قید در نقل مرحوم صدوق را در اثر اشتباه نساخ من لا یحضره الفقیه دانسته است. جواب از بیان و توجیه مرحوم امام از آن جا که کتاب الفقیه کتاب معتبری است و بین علماء متداول بوده، لذا نسخه های آن نیز اعتبار خاصی دارد و بسیار بعید است که چنین سهوهایی در آن روی داده باشد و حال آن که اگر چنین اشکالاتی بر این منبع وارد باشد، اعتماد به سایر روایات این کتاب نیز مشکل می شود.  مضافا به این که از نقل این روایت در باب ارث در بحث ارث مسلمان از کافر در من لا یحضره الفقیه و استشهاد مرحوم صدوق به این روایت در این باب، عنایت مرحوم صدوق به این فقره و قید روشن می شود.  بنابراین، روایت لا ضرر دارای تواتر اجمالی بر مضمونی که در استدلال به قاعده به کار بیاید. |

1. . الکافی جلد 5،‌ صفحه 293 [↑](#footnote-ref-1)